

## نقش و جایگاه ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس بر اساس مطالعات باستان‌شناسی

میثم لباف خانیکی<sup>۱</sup>، دکتر بهمن فیروزمندی<sup>۲</sup>

### چکیده

مراکز استقرار ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس از یک سو گواه حاکمیت سیاسی و اقتصادی مؤثر ایرانیان بر خلیج فارس در دوران پیش از اسلام بوده و از سوی دیگر به تکمیل دانسته‌های تاریخی درباره روابط تجاری ایران باستان با سرزمین‌های دیگر کمک شایانی می‌کند. شناخت و مطالعه بافت زیستگاه‌های ساسانی کرانه خلیج فارس در کنار بررسی مواد فرهنگی دیگر از قبیل انواع سفال بیانگر سبک معیشتی و رفتارهای فرهنگی ساکنان این منطقه در دوره پیش از اسلام است.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش و جایگاه ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس بر اساس مطالعات باستان‌شناسی به چه صورت است و از این نظر این جایگاه چه اهمیتی را داراست؟ لذا با روش کتابخانه‌ای و به شکل توصیفی و تحلیلی به مسائل مذکور پرداخته شده است. نتیجه این که خلیج فارس در بخش اعظم دوران ساسانی به عنوان مرز دریایی ایران با سرزمین‌های عرب‌نشین شناخته می‌شده و بافت شهرهای احداث شده در این منطقه با توجه به کاربرد آن شهرها طراحی شده است. هجوم تازیان به مرزهای جنوبی ایران موجب شده است در بافت اصلی شهر همواره قلعه‌ای در نظر گرفته شود و همان‌گونه که در سایت‌های متعددی از جمله سیراف و ریشهر شاهدیم، حصاری قطور امنیت بخش‌های مسکونی شهر را تأمین کرده است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، دوره ساسانی، سفال، معماری، تجارت

۱- دانشجوی دوره دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی دانشگاه تهران

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

## مقدمه

حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس از زمان کشورگشایی اردشیر در سال‌های آغازین پایه-گذاری حکومت ساسانی گزارش شده است. اردشیر پس از شکست اردوان در نبرد هرمزدگان و تصرف همدان، جبل، آذربایجان، ارمنستان، موصل، آسورستان (سواد)، ابرشهر، مرو، بلخ و خوارزم رو به جنوب نهاد (طبری ۱۳۷۵: ۵۸۴). وی در کرانه شمالی خلیج فارس با شخصی بنام هفتوان بخت (هپتانباد) به نبرد برخاست و وی را مغلوب کرد (هدایت ۱۳۴۲: ۱۸۴-۱۸۳). اردشیر پس از عبور از خلیج فارس سوی بحرین رفت و به محاصره آنجا پرداخت. شاه محلی بحرین، سنطرق که یارای مقاومت در برابر اردشیر را نداشت خویش را از حصار شهر به پایین افکند و جان داد (طبری ۱۳۷۵: ۵۸۴). اردشیر پس از فتح بحرین به مداین رفت و در آنجا اقامت گزید. به گزارش تاریخ طبری، اردشیر هشت شهر بنا کرد از جمله رام‌اردشیر، ریواردشیر، اردشیرخره (گور)، هرمزاردشیر (سوق‌الاهواز)، به‌اردشیر (در غرب مداین)، استاباداردشیر (کرخ میسان)، بوذاردشیر و نهایتاً فسا-اردشیر که به تعبیر طبری همان شهر خط در بحرین می‌باشد (طبری ۱۳۷۵: ۵۸۵). ثعالی نیز از دو شهر بهمن‌اردشیر و رام‌اردشیر یاد می‌کند که توسط اردشیر در نزدیکی بندر بصره احداث شدند (ثعالی نیشابوری، ۱۳۶۸: ۳۰۶-۳۰۷).

توجه اردشیر به کرانه‌های خلیج فارس بی‌دلیل نبوده است. از سال‌ها پیش از آن‌که اردشیر به این مناطق دست یابد، خلیج فارس یکی از راه‌های مهم بازرگانی جنوب آسیا به شمار می‌رفت. در قرن اول میلادی بازرگانان دریانورد با بهره‌گیری از بادهای موسمی مسافت میان خلیج فارس تا هندوسیلون (سری‌لانکا) را می‌پیمودند و بدین طریق به تجارت ادویه، ابریشم و دیگر کالاهای لوکس می‌پرداختند (Hourani 1951: 24-6; Needham 1954: 178). در آن زمان خلیج فارس معدن مروارید محسوب می‌شد و در جنوب عربستان کندر و دیگر مواد گیاهی گرانبها تولید می‌شد. از گرهبه در ساحل عربستان کاروان‌ها راهی بازارهای فلسطین می‌شدند و گرهبه به واسطه تجارت مواد خوشبو به ثروت فراوانی دست یافته بود. به گونه‌ای که استرابو به نقل داستان‌هایی درباره خانه‌های اشرافی با اثاثیه مرصع به طلا و نقره پرداخته است (Whitehouse and Williamson 1973: 30). در همین زمان از خاراکس در رأس خلیج فارس نیز کاروان‌هایی به پالمیر عزیمت می‌کردند و کالاهای ارزشمندی چون مروارید و زینت‌آلات را که از هند آمده بود به سرزمین‌های پس کرانه‌ای صادر می‌کردند (Starcky 1952: 70-76). احتمالاً بازرگانان پالمیری نیز در خاراسن و سوزیانا به فعالیت‌هایی مشغول بوده‌اند؛ شاهد این امر گورهای صخره‌ای متعلق به ایشان است که در جزیره خارک در شمال بوشهر شناسایی شده است (Ghirshman 1959: 70-7; 1960).

اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس سبب شد که اردشیر تصرف شهرهای بندری را سرلوحه فتوحات خویش قرار داده و پس از انضمام بخش‌های زیادی از این منطقه به قلمروی خویش، شهرهای جدیدی تأسیس کرده و یا به آبادانی و بازسازی شهرهای قدیمی اقدام ورزد. در کارنامه ارشیر بابکان چگونگی احداث شهری در کرانه خلیج فارس بدین شرح آمده است: «چونش دریا بچشم بدید، اندر یزدان سپاسداری انگارد و بدانجا روستایی را «بوخت اردشیر» نام نهاد و ده آتش بهرام بر دریا فرمود نشاستن ...» (هدایت ۱۳۴۲: ۱۸۳-۱۸۲). در میان شهرهایی که اردشیر بنا کرد شهرهای ریوآردشیر (احتمالاً همان ریشهر در بند بوشهر)، کوجران اردشیر (در ساحل شمالی خلیج فارس و در مقابل جزیره کیش) و بتن اردشیر (در ساحل جنوب خلیج فارس و در مقابل جزیره بحرین) نیز در کرانه خلیج فارس بنیان نهاده شد (Whitehouse and Williamson 1973: 32). احداث و بازسازی شهرها کنترل ساسانیان را بر فعالیت‌های اقتصادی و نظامی خلیج فارس تثبیت نمود و دروازه‌ای بازرگانی برای واردات و صادرات کالا به شهرهای پس کرانه‌ای قلمروی ساسانیان فراهم آورد.

در زمان شاپور اول (۲۳۹ تا ۲۷۰ میلادی) کرانه‌های عرب‌نشین خلیج فارس به یکی از ساتراپی‌های امپراتوری ساسانی تبدیل شد. این ساتراپی به مرکزیت حیره محل سکونت لخمی‌ها بود و میزان نفوذ و اقتدار ساسانیان بر این منطقه در طول زمان دچار فراز و نشیب شد. شاپور در کتیبه نقش رستم را از عمان به عنوان یکی از ایالات تحت حاکمیت ساسانیان یاد می‌کند. اما نام عمان در کتیبه کرتیر متعلق به اواخر قرن سوم حذف می‌شود (رک. عربان ۱۳۸۲: ۷۰ و ۱۹۲). این امر بیانگر آن است که یا عمان هیچ‌گاه تحت سیطره ایرانیان نبوده یا پس از مدتی استقلال یافته است (Kennet 2007: 88; Potts 1990: 329-330).

در زمان شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) اعراب بحرین و هجر در اثر فشار خشکسالی و گرسنگی، عرض خلیج فارس را طی کرده و شهرهای ساحلی فارس، خوزستان و سواد و نیز شهر ریوآردشیر را غارت کردند. شاپور در مقابله با ایشان سپاهی در شهر گور گرد هم آورد، اعراب را از شهرهای کرانه‌ای خلیج فارس پس راند و شهرهای عرب‌نشین ساحلی را با خاک یکسان کرد. طی این نبرد، تمامی قبایل عرب منهزم شده و اسرای عرب با ریسمانی که از شانه سوراخ شده آنها گذرانده شده بود به بند کشیده شدند. به همین دلیل اعراب، شاپور را ذوالاکتاف لقب کردند (ابن بلخی ۱۳۸۴: ۶۹-۶۷). پس از اسارت شورشیان عرب، شاپور دوم در سال ۳۲۶ میلادی مستعمره-نشین‌های ایرانی در بحرین را بنا نهاد. بنابراین بحرین مجدداً به ضمیمه امپراتوری ساسانی درآمد و مرزبانی ایرانی بر آنجا گماشته شد (سیوری و کلی ۱۳۷۷: ۲۳). همچنین شاپور دوم در حاشیه

غربی بین‌النهرین استحکاماتی تأسیس کرد تا این سرزمین را از هجوم بیابان‌گردان در امان دارد (Kennet 2007: 88).

علی‌رغم همه دست‌اندازی‌های وحشیانه تازیان، خلیج فارس در قرن چهارم میلادی به رونق و شکوفایی قابل اهمیتی دست یافت. آمیانوس مارسلینوس که در حدود ۳۳۰ میلادی در انطاکیه (آنتیوش) زاده شده خلیج فارس را در زمان حیاتش چنین توصیف می‌کند: «در سراسر کرانه (خلیج فارس) انبوهی از شهرها و روستاها واقع شده است و کشتی‌های زیادی در آن منطقه در حال آمد و شد هستند» (Ammianus Marcellinus, 23, 6, 11 as cited in Daryae 2003: 4).  
با آغاز قرن ششم میلادی کشتی‌های ایرانی با ارتش رومی در بنادر سینه‌الی (Sinhalese ports) سرسختانه به مبارزه برخاستند. در زمان خسرو اول (۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) قلمرو نفوذ ایرانیان تا فراسوی رودخانه سند که مرز سنتی ایران و هند بود، گسترش یافت و سیطره ساسانیان و لخمی‌ها بر شرق عربستان یکبار دیگر برقرار شد. در سال ۵۷۰ میلادی خسرو انوشیروان نیرویی متشکل از ۸۰۰ نفر از محکومین به جنایت را تحت امر فرماندهی کهنسال به نام وهریز به یمن گسیل داشت. در نتیجه این لشکرکشی، یمن تسخیر شد و تا سال ۶۲۸ میلادی در دست فرمانروایان ساسانی باقی ماند. با تصرف یمن، ساسانیان نتایجی کسب کردند که رومی‌ها قادر به دستیابی به آن نبودند، زیرا تجارت دریای سرخ بین مصر و هند به دست ایرانیان افتاد. در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، فعالیت‌های دریایی اعراب با انگیزه به کنترل درآوردن بحرین و عمان توسط ساسانیان به شدت محدود گردید و حتی در بندر ابله که اعراب آنجا را اپولوگوس می‌نامیدند عنصر قدرتمند ایرانی در میان جامعه بازرگانان به روشنی آشکار بود (سیوری و کلی ۱۳۷۷: ۲۳-۲۵).

در ۵۷۵ میلادی خسرو اول طی نبردی اقدام به اخراج آبیسینیانس (Abyssinians) از یمن کرد و بر اساس یک روایت عمانی به این مناسبت قلعه‌ای در رستاق (Rustaq) توسط حاکم ایرانی که پس از جنگ گماشته شده بود، ساخته شد (Potts 1990: 335-336). پس از آن، قلعه‌ها و اردوگاه‌هایی در بحرین و عمان ساخته شد (Potts 1990: 336-338). منابع متأخر تاریخی عمان به عهدنامه‌ای اشاره می‌کنند که در این زمان میان ساسانیان و امرای محلی عرب جولانده (Julanda) که تحت کنترل اعراب بودند و نواحی تحت سلطه حاکم ایرانی، نهادهای نظامی و شهری و ملاکین بسته شده (Potts 1990: 339-340) این توافق‌نامه تا زمان گسترش دین اسلام در این منطقه در دهه ۶۳۰ میلادی معتبر بوده است (Kennet 2007: 88).

ساسانیان از نیروی دریایی قدرتمند بی‌بهره بودند و این ضعف بزرگی برای آنان در جنگ با رومی‌ها به شمار می‌رفت. در سال ۶۲۲ هراکلیوس بدون مواجهه با مشکل و مانعی از دریای اژه

گذشت و در سال ۶۲۳ نیز بدون رویارویی با هر گونه مقاومتی از بیزنس وارد دریای سیاه شده که ثمره این دو سفر دریایی، شکست قوای ساسانی بود (سیوری و کلی ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲).

### شواهد باستان‌شناختی حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس

بر اساس تاریخ حضور ساسانیان در خلیج فارس در سراسر کرانه‌های خلیج فارس مراکز جمعیتی وجود داشته است که امور بازرگانی و امنیتی این منطقه را سامان می‌داده‌اند. اگرچه سکونت‌گاه‌های واقع در کرانه‌های شمالی خلیج فارس در دوره ساسانی همواره تحت حاکمیت حکومت مرکزی به سر می‌بردند، ولیکن مراکز استقراری سواحل جنوبی در مقاطعی از تاریخ دوره ساسانی ادعای استقلال کرده و از تابعیت حکومت ساسانیان سرپیچی می‌کردند. به دلیل سرگذشت متفاوت شهرها و بنادر پارسی‌نشین ایران در دوره ساسانی و مراکز عرب‌نشین در دو بخش جداگانه به شواهد باستان‌شناسی هر یک از این نواحی می‌پردازیم.

### الف) کرانه پارسی‌نشین خلیج فارس

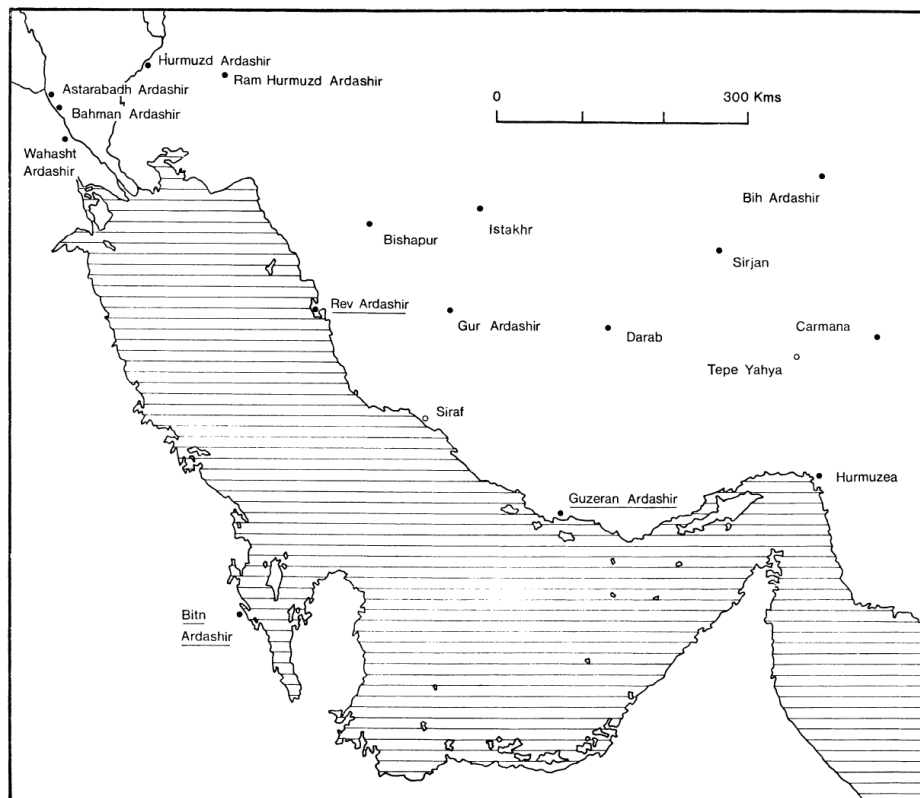
نخستین گزارش‌های ارائه شده از حضور آثار فرهنگی پیش از اسلام در کرانه‌های شمالی خلیج فارس همزمان است با حضور هیئت‌های دیپلماتیک بریتانیایی در ایران. در سوم ژوئن ۱۸۲۶ جیمز ادوارد الکساندر، مأمور نظامی ارتش بریتانیا وارد بندرگاهی در خلیج فارس شد و در اقامتگاه بریتانیایی بوشهر مستقر گردید. وی در زمان حضور در ایران به بازدید از سایت‌های باستانی واقع در بوشهر و شیراز پرداخت. الکساندر علاوه بر آن که از نقش رستم و بیشاپور بازدید به عمل آورد، به شرح گزارشی از یک گورستان باستانی پرداخت که در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب بوشهر در مکانی به نام سبزآباد و در فاصله کمی از ویرانه‌های ریشهر واقع شده بود. بر اساس گفته‌های کلنل استانوس، میزبان الکساندر در بوشهر در نزدیکی یک دیوار قدیمی، خمره‌ها و استخوان‌های مربوط به اسکلت انسان که در ردیفی منظم چیده شده بود به چشم می‌خورد. این گورستان یکی از هشت سایت باستانی بوشهر بود که توسط الکساندر معرفی گردید. نخستین آنها در مارس ۱۸۱۱ در حدود ۳ کیلومتری جنوب بوشهر توسط دو کارگر عرب کشف شد. آنچه از این مکان بدست آمد عبارت بود از دو خمره که گفته می‌شد در عمق حدود ۶۰ سانتی متری سطح زمین دفن شده و در داخل آنها استخوان‌های انسانی قرار داشت. این خمره‌ها در کنار هم قرار داشتند و در راستای غربی- شرقی تعبیه شده بودند. درپوش کوچکی بر روی دهانه این خمره‌ها قرار داده شده بود و در نزدیکی دهانه یک دسته تعبیه شده بود. درازای هر خمره ۱ متر و قطر دهانه معادل ۲۰ سانتی متر بود. بر اساس کیفیت مینای دندان‌ها احتمالاً استخوان‌های داخل خمره‌ها مربوط به یک زن و یک

بچه بود. دو سال بعد در فوریه ۱۸۱۳ در نتیجه ساختوسازهایی که به دستور ویلیام بروس عضو هیئت دیپلماتیک سرگوز اوزلی در همان منطقه صورت گرفت، پنج خمره دیگر کشف شد. چهار خمره از مجموعه مکشوفه دارای اندازه یکسانی در حدود ۱/۲ متر بودند. اما یکی از این خمره‌ها اندازه کوچکتری داشت و به نظر می‌رسید متعلق به یک کودک بوده است. استخوان‌های درهم ریخته انسانی در داخل این خمره‌ها وجود داشت و دهانه تنگ این خمره‌ها نشان می‌داد که قبل از آنکه اجساد در داخل این خمره‌ها قرار گیرند، عمداً در معرض پوسیدگی و تجزیه قرار گرفته‌اند. اندکی بعد در حدود ۲۰ کیلومتری گورستان قبلی و در حدود ۵ کیلومتری جنوب سبزآباد خمره‌های مشابهی کشف شد (Simpson, 2007: 153-154).

خمره‌های کشف شده در بوشهر دارای خمیره‌ای با بافت ماسه‌ای و بدنه استوانه‌ای بودند که به کف مخروطی شکل ختم می‌شدند. لبه این خمره‌ها فتیله‌ای بود و با استفاده از قیر طبیعی بخش انتهایی آنها اندود شده بود. این خمره‌ها که به نام خمره‌های اژدری (torpedo jar) شناخته می‌شوند از سایت‌های ساسانی در مرکز و جنوب بین‌النهرین و جنوب غرب ایران به دست آمده‌اند (e. g. Adams 1981: 234). تولید ظروف اژدری از دوره پارسی آغاز شده و تا اوایل دوره عباسی ادامه داشته است. این ظروف که با استفاده از لایه‌ای از قیر طبیعی بر روی بدنه نشت‌ناپذیر می‌شد، احتمالاً گونه‌ای تولید محلی از آمفوراها رومی بود که برای انتقال شراب و مایعات مورد استفاده قرار می‌گرفتند (Zemer, 1977).

سال‌ها پس از حضور استعمارگران در مرزهای جنوبی ایران و در اواخر قرن بیستم میلادی توجه باستان‌شناسان به این مناطق جلب شد. ویلیامسن و پریکت در منطقه میناب موفق به شناسایی ۱۰ سایت باستانی شدند که در سطح آنها سفال‌هایی مربوط به دوره ساسانی پراکنده شده بود (Prickett 1986: 1270-1272). علاوه بر این از سطح محوطه‌های کوچک ساحلی از شرق در جاسک تا غرب در بوشهر سفال‌های مربوط به دوره ساسانی شناسایی شده است (Priestman and Kennet 2002: 266; Kennet 2002: 160).

شکل ۱- موقعیت سیراف و دیگر استقرارگاه‌های ساسانی در کرانه‌های خلیج فارس



(Whitehouse and Williamson, 1973)

یکی از بندرهای مهم دوره ساسانی سیراف بود که با جاده‌ای به فیروزآباد و شیراز راه می‌یافت (Boucharlat and Salles 1981: 66). سیراف سایتی ساسانی است که در پهنه‌ای به طول بیش از یک کیلومتر گسترده شده و استحکامات دفاعی در آن احتمالاً از زمان شاپور دوم به بعد احداث شده است (Huff 1989: 303). آثار فرهنگی به جا مانده از دوره ساسانی در سیراف به واسطهٔ کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده است (Whitehouse 1968; 1969; 1970; 1971; 1972; 1974). سیراف ساسانی در زیر شهر قرون میانی اسلامی دفن شده و کاوش‌های باستان‌شناسی در سه نقطه از سایت سیراف به شناسایی لایه‌های ساسانی شهر منجر گردید. تنها ساختمان یادمانی بجا مانده از سیراف ساسانی، قلعه‌ای است که بخشی از آن در زیر یک مسجد جامع مربوط به قرن ۹ میلادی قرار دارد (Whitehouse 1971: fig. I and pl. Ia; 1972: fig. 3 and pl. IIc). (شکل

(۲)

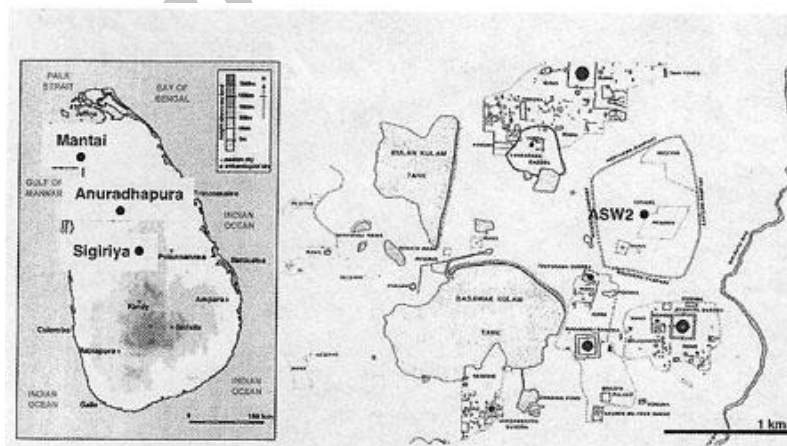
شکل ۲- بخشی از قلعه ساسانی سیراف که در زیر لایه استقرار دوره اسلامی قرار دارد



(منبع: نگارندگان)

برای شناسایی پلان این قلعه در بخش‌هایی از ضلع جنوبی و شرقی سازه کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفت. در ضلع جنوبی، دروازه‌ای یادمانی شناسایی شد که دارای یک اتاق نگهبانی چهارضلعی است که در دو طرف آن برج‌های نیم‌دایره‌ای توخالی قرار گرفته‌اند (شکل ۳).

شکل ۳- قلعه ساسانی سیراف و پلان بازسازی شده آن



(منبع: نگارندگان)



در مجاورت داخلی دیوارهای جنوبی و شرقی این قلعه نیز ردیفی از فضاهای معماری ساخته شده که بر اساس شواهد به دست آمده به عنوان سربازخانه یا مغازه مورد استفاده قرار می‌گرفتند (Whitehouse and Williamson 1973: 33). خارج از قلعه محدودهٔ محصور و وجود داشته که تعداد زیادی فضای مسکونی را در خود جای می‌داد. اگرچه فضاهای معماری به شدت تخریب شده‌اند ولی بقایای قابل تشخیصی از حصار باقی مانده است. چهار دورهٔ ساختمانی در حصار شناسایی شده که از آخرین دوره سکه‌هایی متعلق به قرن ۸ و ۹ میلادی به دست آمده است. از آنجا که از دوره سوم اثر شاخصی در دست نیست، می‌توان این دوره را با قید احتمال به نیمه دوم قرن ۷ و نیمه اول قرن ۸ میلادی منسوب کرد. از دوره‌های اول و دوم چندین سکه ساسانی به دست آمد و به همین دلیل می‌توان گفت که نخستین سازه‌ها در این سایت در دوره ساسانی بنا شده‌اند (Whitewhouse 1972: 70-71).

علاوه بر سازه‌های معماری توصیف شده، چند سکه متعلق به دوره ساسانی نیز یافت شد (Lowick 1985: 11-16). در یکی از محله‌های مسکونی سیراف (سایت F) سه سکه ساسانی در زیر قدیمی‌ترین فاز خانه W و در سایت L در داخل حصار شهر سه سکه ساسانی از لایه‌های زیرین به دست آمد. سکه‌های یافت شده از این سایت مربوط به استقرار اواخر قرن ۷ می‌باشد (Whitehouse 1971: 3; 1974: 7). ضخامت حصار شهر ۱/۲ متر بوده و باستیونی به قطر ۱۱ متر در بخش کاوش شده حصار شناسایی شد (Whitehouse and Williamson 1973: 35). در کنار همه این یافته‌ها، سفال‌های به دست آمده از این منطقه دلیل قاطعی بر حضور ساسانیان در سیراف ارائه می‌دهند (Piacentini 1992: 117). در تپه‌های آن سوی سیراف گورستانی شامل گوردخمه‌های کوچک شناسایی شد که در بدنهٔ عمودی صخره‌ها کنده شده بود. این گورها بدون شک اسلامی نیستند و به نظر می‌رسد گوردخمه‌های زرتشتی باشند (Whitehouse 1972: 65).

شکل ۴- گوردخمه‌های سیراف



(<http://www.wikipedia.com>)

به نظر می‌رسد سیراف در دوره ساسانی اردوگاهی نظامی بوده و در دوره اسلامی به یک بندر تجاری تغییر کاربری می‌دهد. احتمالاً این شهر در دوره ساسانی کارکردی ویژه در حفاظت از منافع شهر گور داشته است. جغرافیانگاران مسلمان نیز در مسیر ذکر مسیر مسافرت از ارتباط آسان و مستقیم شهر گور با سواحل مجاور سیراف یاد کرده‌اند. برای اولین بار در سال ۸۵۰ میلادی از این شهر به عنوان یک بندر پررونق یاد شده است. اصطخری اظهار می‌کند که در قرن ۱۰ میلادی سیراف چنان آباد بوده که با شیراز در استان فارس رقابت می‌کرده است. ولی نهایتاً در قرن سیزدهم متروک و دچار ویرانی می‌شود (Matheson 1976: 247). پلان سیراف نشان می‌دهد که در حاشیه این شهر کانال‌های انتقال آب و فاضلاب تعبیه شده بود. به نظر باستان شناسان، بافت سیراف اوایل اسلام تحت تأثیر شهرسازی دوره ساسانی طراحی شده بود. کشفیات باستان‌شناختی از این شهر شامل هزاران قطعه پرسلین چینی و سکه‌هایی از اسپانیا، روسیه و سوریه و سکه‌های تاریخ‌دار دوره اسلامی حکایت از ماهیت تجاری این شهر در دوران باستان دارد. شیشه، سنگ لاجورد و قطعات بی‌شماری از ظروف سفالی ساسانی - اسلامی نیز از این سایت بدست آمده است (Matheson 1976: 249). بلاذری در کتاب *فتوح البلدان* به سقوط قلعه ساسانی سیراف به دست مسلمین اشاره کرده است (Whitehouse 1971: 5). اگرچه مشخص نیست که آیا سیراف در اواخر دوره ساسانی هم به عنوان بندری تجاری اهمیت داشته است ولی می‌دانیم که سیراف در اواخر دوره ساسانی همچنان منطقه گمرکی بوده که بر رفت و آمدهای دریایی نظارت داشته و امنیت خلیج فارس را تأمین می‌کرده است (Daryaee 2003: 3). با این توصیفات به نظر می‌رسد که اعراب با تصرف سیراف به دنبال تحصیل امتیازات اقتصادی منطقه بودند و از این طریق قصد داشتند کنترل خلیج فارس را به دست گیرند.

در شرق سیراف شهرها یا بنادر دیگری قرار داشتند که در تجارت خلیج فارس ایفای نقش می‌کردند. هرمز در تنگه هرمز که از شمال شرق و از طریق جولفار با سیرجان ارتباط می‌یافت (Boucharlat and Salles 1981: 66)، بند گوزران یا کوچران اردشیر در نزدیکی بندر لنگه که به عنوان مرکزی تجاری نیازهای شهر داراب فارس را تأمین می‌کرد (de Cardi 1972: 306) و جزیره خارک که سکونت‌گاهی در اواخر ساسانی را در خود جای می‌داد و در ۶۰ کیلومتری شمال غرب بوشهر واقع بود (Boucharlat and Salles 1981: 71).

شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهند که بندر بوشهر به واسطه جاده‌ای به کازرون و شیراز ارتباط داشته و از طریق این جاده کالاهای تجاری به دیگر نقاط ایران صادر می‌شد (Boucharlat and Salles 1981: 66). در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناسی وایت هوس و ویلیامسن در منطقه بوشهر یک سایت وسیع با شواهدی از دوره پارت و ساسانی شناسایی شد. این سایت که در ۱۸۰

کیلومتری سیراف واقع شده شامل تپه ماهورهای نزدیک به هم است که در گستره‌ای به وسعت ۴۵۰ هکتار پراکنده شده‌اند. کلیه اظهارنظرهای ارائه شده درباره ماهیت تاریخی این سایت بر اساس بررسی‌های سطحی صورت گرفته و تاکنون کاوش باستان‌شناسی در این سایت انجام نگرفته است. سبک سفال‌های سطحی مطالعه شده مشابهت زیادی با سفال‌های ساسانی به دست آمده از لایه زیرین مسجد سیراف را نشان می‌دهد که می‌توان تاریخی معادل اوایل قرن ۹ میلادی را برای آنها پیشنهاد کرد. در میان این سفال‌ها تنها دو گونه سفال وجود دارد که پیش از این به عنوان سفال‌های دوره پارت و ساسانی معرفی شده است (Whitehouse and Williamson 1973: 36-37).

شکل ۵- سفال‌های اشکانی و ساسانی خلیج فارس



گونه نخست، سفالی است منقوش از نوع مرغوب و به رنگ نارنجی (شکل ۵: a-c). خمیره این نوع سفال به خوبی حرارت دیده و در آمیزه آن از ماسه استفاده شده است. سطح سفال مورد بحث را اسلیپی به رنگ نارنجی تا قرمز پوشش می‌دهد. سطح خارجی این گونه سفال با نقش‌های سیاه رنگ تزئین شده و شامل نقوش سه گوش، نردبانی، دایره‌های متوالی و مارپیچ‌های آویزان است. نوع دوم که شامل سفال‌های قرمز براق می‌شود کالایی وارداتی از هند به شمار می‌رود (شکل ۵: d-f). این نوع سفال دارای خمیره ظریف قرمز رنگ بوده و با اسلیپ قرمز یا نارنجی پوشش داده شده است (Whitehouse and Williamson 1973: 38). این سفال‌ها که بنام ظروف نامرد (Namord) شناخته می‌شوند از جنوب شرق ایران نیز شناسایی شده‌اند (Potts 1998).

در ساحل غربی بوشهر و در نزدیکی روستای جدید ریشهر قلعه‌ای شناسایی شده که امروزه به شکل تپه‌ای به ارتفاع ۹ متر قابل مشاهده است (شکل ۶). این قلعه که با دیوارهای خشتی احداث شده در میان خندقی عریض محصور بوده است.

شکل ۶- استحکامات ریشهر و خندق پیرامون حصار



بسیاری از نویسندگان این قلعه را به عنوان قلعه پرتغالی‌ها معرفی کرده‌اند. اما موقعیت آن، مقطع لایه‌نگاری که در مجاورت ساحل به چشم می‌خورد و سفال‌های سطحی نشان‌دهنده هویت پیش از اسلام این سازه است. این شهر احتمالاً همان ریواردشیر دوره ساسانی است (Whitehouse and Williamson 1973: 39-41) که در زمان شاپور دوم مورد هجوم و غارت دزدان دریایی عرب قرار گرفت (Simpson 2007: 155) و شاهد نبردی بزرگ در زمان فتوحات مسلمین بود. ریواردشیر بازار مرواریدهای مرغوب بود و یکی از دروازه‌های مهم ایالت فارس و رقیب سیراف در امر تجارت و بازرگانی محسوب می‌شد. از این سایت شواهد گسترده‌ای از عقیق در قالب مهره، جواهر و حلقه‌های تزئینی و نیز ضایعات عقیق به دست آمده است (Whitehouse 1975). این احتمال وجود دارد که ریواردشیر ابتدا به ساکن توسط اردشیر اول ساخته نشده و در واقع بازسازی شده شهر سلوکی انطاکیه بوده است. این شهر در زمان ساسانیان و از قرن پنجم میلادی زیستگاه نسطوریان فارس به شمار می‌رفت (Potts 2005: html).

نسطوریان که عمدتاً در شمال بین‌النهرین سکونت داشتند اقلیت قابل اهمیتی در امپراتوری ساسانی به شمار می‌رفتند و عمده فعالیت‌های مذهبی آنها در کلیساهای ایشان تمرکز می‌یافت (Whitehouse and Williamson 1973: 42). در جزیره خارک واقع در ۵۵ کیلومتری بوشهر یک صومعه نسطوری شناسایی شده است. پیش از این گیرشمن در این نقطه دیوار بزرگی به انضمام فضاهایی متعلق به یک کلیسا و امور اداری پیدا کرده بود (Ghirshman 1960: pl. 12) (شکل ۷).

شکل ۷- کلیسای نسطوری در جزیره خارک

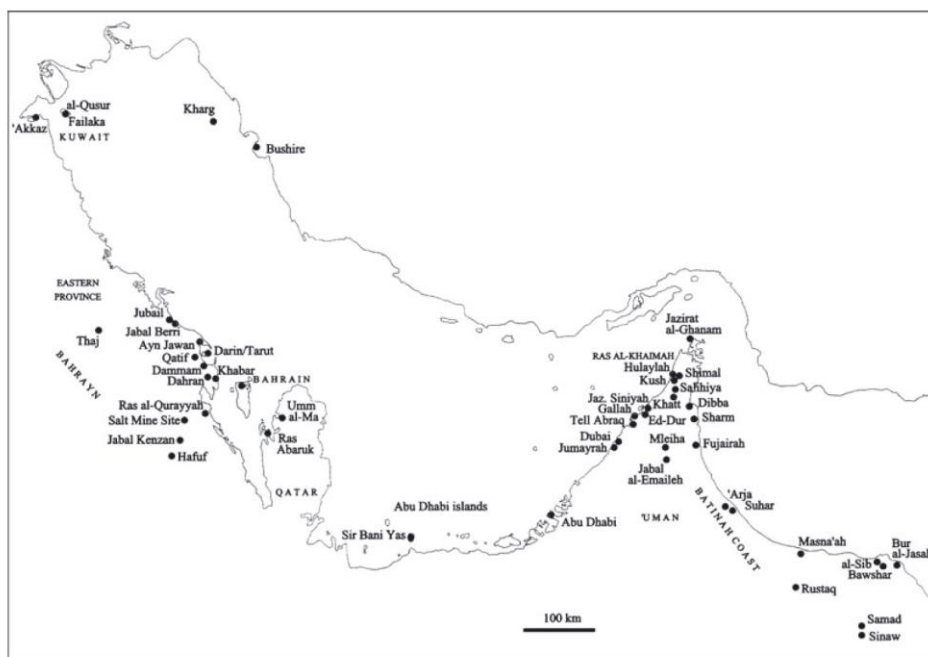


این مجموعه در پهنه‌ای به مساحت ۸۰۰۰ متر مربع گسترده شده و بنای کلیسا دارای ابعادی به طول ۳۰ و عرض ۱۵ متر است. گیرشمن تخمین زده که این مجموعه گنجایش حضور یکصد نفر را داشته است (Whitehouse and Williamson 1973: 42). در سواحل عرب نشین خلیج فارس نیز چند کلیسای نسطوری متعلق به دوره ساسانی شناسایی شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

#### ب) سواحل عرب‌نشین خلیج فارس

همان‌گونه که در پیشینه تاریخی خلیج فارس ذکر شد، سیطره ساسانیان بر سواحل جنوبی خلیج فارس و شمال شرق عربستان احتمالاً از زمان اردشیر اول یا شاپور اول آغاز شد. حاکمیت ساسانیان بر عمان با ذکر نام این منطقه در کتیبه زرتشت شاپور اول تحت عنوان مزون (Mazun) - نامی اشکانی و ساسانی - معلوم می‌شود (Potts 1985). بر اساس تاریخ طبری شاپور دوم موفق شد طی یک لشکرکشی از طریق شمال شرق عربستان تا حجاز نفوذ کند (طبری ۱۳۷۵: ۶۰۱-۶۰۰). تا مدت‌ها هیچ سایت ساسانی از کرانه‌های شرقی و جنوبی خلیج فارس معرفی نشده بود؛ اما در سال‌های اخیر با شناخت سفال‌های شاخص دوره ساسانی، تعداد زیادی سایت ساسانی شناسایی شده است (Kennet 2002; 2004).

شکل ۸- موقعیت سایت‌های ساسانی در کرانه‌های عرب‌نشین خلیج فارس

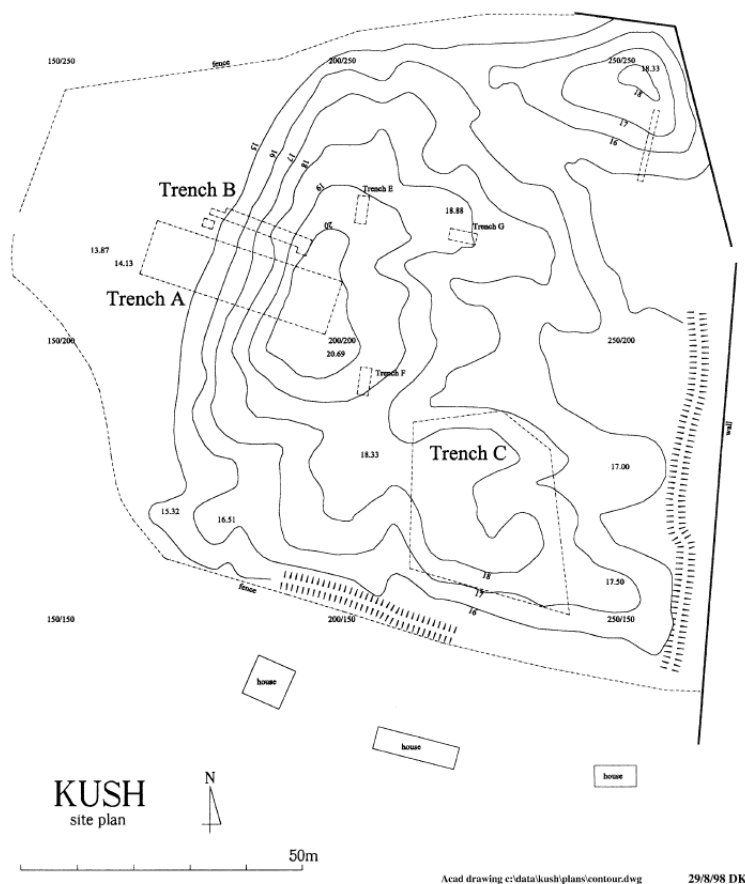


(Kennet 2007)

علاوه بر این، یافته‌های بی‌شماری شامل سکه، مهر و پیکرک و شواهد دیگری از استقرارهای ساسانی در این منطقه به دست آمده است.

از دو سایت کوش و خط در رأس‌الخیمه، شواهد سفالی شاخصی متعلق به استقرارهای دوره ساسانی شناسایی شده است (Kennet 1997; 1998). کوش تپه‌ای باستانی است که در امارات متحده عربی و در امیرنشین رأس‌الخیمه در حدود ۷۰ کیلومتر جنوب تنگه هرمز و در مسیر راه تجاری جنوب و جنوب شرق آسیا، اروپا و خاور نزدیک واقع شده است. جغرافیانگاران متقدمی همچون مقدسی (قرن ۱۰م) و ادریسی (قرن ۱۲م) از این مکان با نام جولفار یاد کرده‌اند (Kennet 1997). کاوش‌های باستان‌شناسی در کوش منجر به شناسایی استقرارهایی از اوایل قرن ۴ میلادی (دوره ساسانی)، اوایل دوره اسلامی و دوره عباسی (قرون ۸ تا ۱۰) تا سده‌های ۱۱ و ۱۳ میلادی شد که به ۱۵ فاز و ۸ دوره تقسیم‌بندی شد (Kennet 1997).

شکل ۹- نقشه توپوگرافیک محوطه کوش و موقعیت ترانشه‌های باستان‌شناختی



(Ishida et al. 2003)

دوره اول کوش که قدیمی‌ترین لایه‌های استقرار را شامل می‌شود متعلق به دوره ساسانی است. از آنجا که هدف اصلی در حفاری‌های کوش لایه‌نگاری و شناسایی دوره‌های استقرار در این سایت بود، آثار معماری شناسایی شده از دوره اول کوش بسیار محدود است. معماری مربوط به این دوره عبارت است از سازه‌های خشتی که در برخی نقاط دو متر از ارتفاع آن باقی مانده است. به نظر می‌رسد سازه‌های معماری اوایل ساسانی کوش، آگاهانه تخریب شده و با تسطیح آنها بستری برای احداث یک قلعه خشتی متعلق به اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی (دوره دوم) فراهم آمده است. اگرچه قطعاً نمی‌توان بر کاربرد دفاعی سازه دوره اول نظر داد، ولی کشف تعداد

زیادی پیکان آهنی سه پره از این لایه‌ها احتمال کاربری نظامی این سازه را تقویت می‌کند (Kennet 2002: 154).

همچنین در رأس مسندم (Ras Musandam) واقع در ساحل جنوبی تنگه هرمز نیز سایتی ساسانی معرفی شده است (de Cardi 1972). در سحرار، واقع در نقطه اتصال خلیج فارس با دریای عمان و نیز در دما (Dama) و جورافار (Jurrafar) قلعه‌های متعلق به دوره ساسانی شناسایی شده است (Wilkinson 1973: 888). در غنم (Ghanam) واقع در تنگه هرمز نیز ماندگاهی مرزی شناسایی شده که احتمالاً بندرگاهی برای کشتی‌ها به شمار می‌رفته است (de Cardi 1972: 308). در منطقه ام‌الما (Umm al-Ma) نیز شواهدی از حضور ساسانیان به دست آمده همچون کوزه‌هایی با لعاب سبز که از عراق نیز به دست آمده است (de Cardi 1974: 199). همچنین شواهدی از مواد فرهنگی دوره ساسانی در صالحیه (Salihyah) در نزدیکی خوره (Khawrah) در رأس‌الخیمه به دست آمده است (de Cardi 1971: 260, 268).

پراکنش سفال‌های مربوط به قرن ۳ و ۴ میلادی بیشتر از ۸ منطقه در جزایر منطقه ابوظبی گزارش شده است (Hellyer 1998: 36-41; King 1997: 80; King & Hellyer 1997; King & Tonghini 1998: 131-32; King 1997). این تاریخ‌گذاری بر اساس حضور سفال‌هایی ابراز شده که هیلایر و کینگ تحت‌عنوان ظروف سیاه‌نقش‌کننده معرفی کرده‌اند. این ظروف خمره‌هایی با بدنه ضخیم را شامل می‌شوند که دارای سطح سیاه رنگ با تزئینات کنده شیاری هستند (Hellyer & King 1999: 120-121). این ظروف بر اساس مقایسه با سفال‌های مکشوفه از الدور (Ed-Dur) به دوره ساسانی نسبت داده شده است. این در حالی است که ظروف الدور نیز به قرن اول میلادی و قبل از آن تعلق دارد. بر این اساس سایت‌های ابوظبی به دورانی پیش‌تر از آن چه مطرح شده، تعلق دارند (Kennet 2007: 95).

از ۲۶ سایت باستانی واقع در حد فاصل بحرین و کویت و بخش‌های شرقی عربستان سعودی نیز آثار ساسانی به دست آمده است. مبنای تاریخ‌گذاری این سایت‌ها، وجود سفال‌های قابل مقایسه با نمونه‌های تیسفون، نوزی و قصر ابونصر بوده است (Kennet 2007: 95). از سطح سایتی در نزدیکی جبیل (Jubayl) در شرق عربستان سعودی یک سر برنزی اسب متعلق به دوره ساسانی بدست آمده (Potts 1993) (شکل ۱۰) و در نتیجه کاوش‌های صورت گرفته در جبل اماله (Jebel Emalah) شارجه تدفینی به همراه رزم‌آلات آهنی مربوط به دوره آهن شناسایی شده است (Potts 1997).



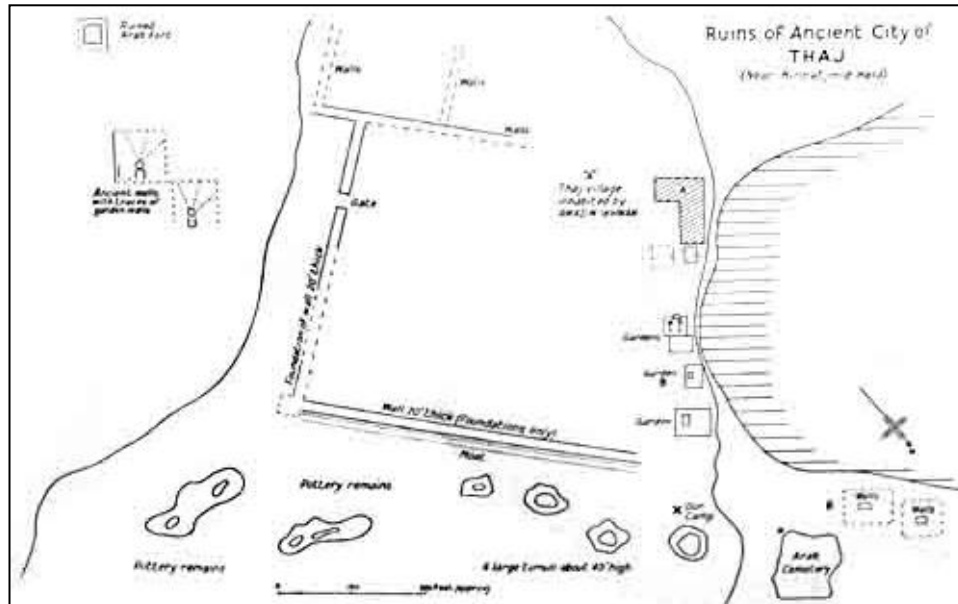
شکل ۱۰- سر برنزی اسب از شرق عربستان سعودی



(Potts 1993)

در مورد ادوار استقرار در سایت تاج، واقع در ۶۰۰ کیلومتری شمال غرب ریاض، بحث‌های زیادی وجود دارد. پاتس چنین نتیجه گرفته است که کاوش‌های صورت گرفته در این سایت آثاری جدیدتر از قرن اول میلادی را ارائه نمی‌دهد (Potts 1993: 93). با این وجود سفال‌هایی در سطح این سایت پراکنده شده که احتمالاً به دوره ساسانی تعلق دارند. (Dickson & Dickson 1948: Pl. II; Whitcomb 1978: 99; Potts 1984: 105) تنها آثار متقن متعلق به دوره ساسانی از این سایت را دو سکه مربوط به اردشیر و چهار سکه رومی قرن ۳ و ۴ میلادی تشکیل می‌دهد که یکی از آنها توسط شاپور دوم مجدد ضرب شده است (Howgego & Potts 1992: 183-189; Potts & Cribb 1995: 126; Potts 1990: 203). این شش سکه به روشنی نشان می‌دهد که فعالیت‌هایی تا قرون ۳ و ۴ میلادی در این سایت جریان داشته است. اما وقتی با ۱۹۱ سکه هلنیستی / پارتی به دست آمده از این سایت مقایسه شود، معلوم می‌شود که حضور ساسانیان در این محل خیلی کم‌رنگ‌تر از پارتیان بوده است (Potts 1991: 13).

شکل ۱۱- نقشه توپوگرافیک محوطه تاج در عربستان سعودی



(Dickson &amp; Dickson 1948)

با توجه به مساحت سایت و محدوده کاوش شده و قلت مواد فرهنگی متعلق به پس از قرن اول و دوم میلادی می‌توان نتیجه گرفت که این سایت در دوره ساسانی تنها یک محل استقرار کوچک یا فصلی بوده است (Kennet 2007: 95).

با توجه به منابعی که به گزارش فتوحات اسلامی در سرزمین‌های عرب‌نشین می‌پردازند، چنین استنباط می‌شود که شمال شرق و جنوب شرق عربستان در اواخر دوره ساسانی تحت نظارت مرزبان‌های ساسانی بوده است (Potts 2005: html).

کلیساهای نسطوری یکی از شاخص‌ترین آثار معماری ساسانی در شرق عربستان به شمار می‌روند. این کلیساها از سایت‌های القصور (al-Qusur) در فیلکه کویت (Bernard & Salles 1991)، تاج/جبیل (Thaj/Jubail) در عربستان سعودی (Langfeldt 1994)، جبل بری (Jebel Berri) در عربستان سعودی (Potts 1990: 203-204; Potts 1994) و سر بنی یاس (Sir Bani Yas) در امارات متحده عربی (King 1997; Elders 2001: 47-57; Elders 2003: 230-236) شناسایی شده‌اند. آرای مختلفی در باب قدمت این سازه‌ها ابراز شده و نهایتاً تعلق این سازه‌ها به دوره ساسانی مورد پذیرش واقع شده است. متون تاریخی، حضور کلیساهای نسطوری در این منطقه را توجیه می‌کند (e. g. Potts 1990: 241-247).

سیمپسون اخیراً شواهد باستان‌شناختی به دست آمده از این سایت‌ها را بررسی کرده و کلیساهای مشابه نمونه‌های حیره و عین شعیبا (Ain Sha'ia) را در جنوب بین‌النهرین به لیست کلیساهای شناخته شده اضافه کرده است. وی با استناد به سفال، گچ‌بری، سکه و دیگر یافته‌ها چنین استدلال کرده که این سایت‌ها به احتمال زیاد مربوط به قرون ۸ و ۹ میلادی بوده و هیچ مدرک ساسانی از این محل‌ها به دست نیامده است (Kenet 2007: 89). با این وجود، پنج قطعه سفال و دو نمونه کربن ۱۴ نشان‌دهنده حضور استقرارهای ساسانی در این مناطق می‌باشد (Kenet 2007: 94).

### نتیجه‌گیری

حضور چشم‌گیر سایت‌های استقرار ساسانی در کرانه‌های خلیج فارس نشان‌دهنده سنت غالب شهرسازی در آن دوره است. با مطالعه و بررسی در متون درمی‌یابیم که بسیاری از شهرهای ساسانی به دست پادشاهان و به منظور تحقق اهداف نظامی، امنیتی و دفاعی بنا نهاده شدند. برخی از این شهرها به نیت تأمین پادگانی برای دولت مرکزی سر برآوردند و برخی دیگر برای تأمین امنیت راه‌ها (یارشاطر و دیگران ۱۳۸۰: ۱۲۳). مثلاً شهر ویه‌اردشیر (در کرمان) که اردشیر ساخته بود احتمالاً از راه‌هایی که به فارس می‌رفتند، پاسداری می‌کرد و چون شهری بوده که ضراب‌خانه داشته در رونق اقتصادی و بازرگانی استان مؤثر بوده است (همان: ۱۸۲-۱۸۱). شاپور اول در مغرب بطایح و فرات شهری به نام هیرت (حیره) بنیاد کرد تا مرز کشور را در برابر دست‌اندازی تازیان صحراگرد محافظت کند. این شهر علاوه بر کارکرد یک پادگان نظامی امنیت رفت و آمد بازرگانان را نیز در کناره فرات تأمین می‌کرد (همان: ۱۶۲). در بسیاری موارد علت بنیاد نهادن شهرها ذکر نشده است ولیکن با مراجعه به قرائن تاریخی (مثلاً ثعالبی نیشابوری ۱۳۶۸: ۳۷۱) درمی‌یابیم که بانی در تأسیس یک شهر، ملاحظات نظامی و دفاعی را از نظر دور نداشته است. بر این اساس به نظر می‌رسد تأسیس شهرها نوعی اقتدار برای بانی به همراه می‌آورده است. گویی شهرسازی سنتی مرسوم در گفتمان قدرت‌نمایی شاهان ساسانی به شمار می‌آمد: «[بلاش پسر فیروز] در سواد (بین‌النهرین) شهری ساخت و نامش را بلاش‌آباد گذارد که همان شهر ساباط در نزدیکی مدائن است و در حلوان و مرو نیز دو شهر ساخت که هر یک را بلاشگرد نامیدند» (همان ۱۳۶۸: ۳۷۵). نزدیک بودن شهرهای نو بنیاد به مرزهای قلمروی امپراطوری ساسانی نمی‌تواند بی‌معنا باشد.

قباد به منظور مقابله با حمله هونها در اطراف دروازه‌های خزر در نزدیکی دربند برج و باروهای برآورد و آن را پیروز- کواد نامید. علاوه بر آن بنیاد شهرهای بیلقان و بردعه، شهرهای عمده آلبانیا بر سر راهی که از اردبیل به ایبریا می‌رسید نیز به قباد منسوب است. بعد از وی، خسرو در نزدیکی

بیلقان شهر گرگر را بنیاد نهاد (یارشاطر و دیگران ۱۳۸۰: ۱۷۲). بهرام پنجم نیز به منظور تأمین امنیت جاده بلخ- هریو در برابر دست‌اندازی هپتالیان فرمان به بنیاد شهر مرورود داد. گاهی اوقات شهرهایی برای دفاع از شهر مرکزی و اصلی یک خوره و استان تأسیس می‌شد. مثلاً در اواخر دوره ساسانی، با برآوردن استحکاماتی چون ساسانگرد و خسروشاه بر توانایی دفاعی شهر مرکزی مرو افزوده شد (همان: ۱۷۸).

بنابراین عمده شهرهای ساسانی مجاور مرزهای ایران ساسانی با هدف تأمین امنیت و دفاع در مقابل نیروهای متخاصم خارجی تأسیس می‌شدند. بر این اساس حبیبی (۱۳۷۸: ۳۱) به درستی نتیجه گرفته است که: «در سازمان فضایی کشور (عهد ساسانی)، دفاع از کشور به شهرهای سرحدی واگذار می‌شوند. شهرهایی که کاملاً از دیدگاه نظامی تجهیز یافته‌اند، شهرهای سرزمین میانی، نقش حفاظت و حراست از شبکه‌های آمد و شد جاده‌ای را بر عهده می‌گیرند و شهرهای سرزمین‌های درونی عملاً به کار تولید می‌پردازند» البته دو نقش اخیر را نمی‌توان فقط به شهرهای ناحیه میانی و درونی ایران ساسانی نسبت داد. بلکه هر شهری در هر موقعیتی برای بقای خویش نیاز به فعالیت تولیدی دارد و برخی از شهرهای مرزی همانند مرورود امنیت آمد و شد راه‌ها را هم تأمین می‌کرده‌اند. شهرهای احداث شده در کرانه‌های خلیج فارس هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. از آنجا که خلیج فارس در بخش اعظم دوران ساسانی به عنوان مرز دریایی ایران با سرزمین‌های عرب‌نشین شناخته می‌شده، بافت شهرهای احداث شده در این منطقه با توجه به کاربرد آن شهرها طراحی می‌شد. هجوم گاه و بیگاه تازیان به مرزهای جنوبی ایران باعث می‌شد در بافت اصلی شهر همواره قلعه‌ای در نظر گرفته شود و همان‌گونه که در سایت‌های متعددی از جمله سیراف و ریشهر شاهدیم، حصارهای قطور امنیت بخش‌های مسکونی شهر را تأمین می‌کرد. چنین ساختاری را در شهرهای نوبنیاد ساسانی در سرزمین‌های عرب‌نشین نیز شاهدیم.

## منابع

- ابن‌بلخی، (۱۳۸۴)، *فارس‌نامه*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی* (غمر /خبر ملوک و سیرهم)، محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- حبیبی، محسن، (۱۳۷۸)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن؛ تفکر و تأثر*، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوری ر. ام. و جی. بی. کلی، (۱۳۷۷)، *خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم میلادی*، حسن زنگنه، قم: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری یا «تاریخ الرسل و الملوک»*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عریان، سعید، (۱۳۸۲)، *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی- پارتی)*، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش.
- هدایت، صادق، (۱۳۴۲)، *زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان*، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- یارشاطر، احسان و دیگران، (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- Adams, R. McC. , 1981, *Heartland of Cities: Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*, Chicago: University of Chicago Press.
- Bernard V. & Salles J. F. , 1991, "Discovery of a Christian Church at al-Qusur, Failaka (Kuwait)," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 21: 7-22.
- Boucharlat, R. and J. F. Salles, 1981, "The History and Archaeology of the Gulf from the 5<sup>th</sup> Century B. C. to the 7th Century A. D. : A Review of the Evidence," *Proceedings of the Seminar for Arab Studies*: 65-94.
- Daryae, Y. , 2003, "The Persian Gulf Trade in Late Antiquity," *Journal of World History* 14(1): 1-16.
- de Cardi, B. , 1971, "Archaeological Survey in N. Trucial States," *East and West* 3-4: 225-290.
- de Cardi, B. , 1972, "A Sasanian Outpost in Northern Oman," *Antiquity* 46 (184): 305-310.
- de Cardi, B. , 1974, "The British Archaeological Expedition to Qatar 1973-1974," *Antiquity* 48 (191): 196-200.
- Dickson, H. R. P. & V. P. Dickson, 1948, "Thaj and other Sites," *Iraq* 10: 1-8.

- Elders, J. , 2001, "The Lost churches of the Arabian Gulf: recent discoveries on the islands of Sir Bani Yas and Marawah, Abu Dhabi Emirate, United Arab Emirates," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 31: 47-57.
- Elders, J. , 2003, "The Nestorians in the Gulf: Just Passing Through? Recent Discoveries on the Island of Sir Bani Yas, Abu Dhabi Emirate, U. A. E. ," in D. T. Potts, H. al-Naboodah & P. Hellyer (eds. ), *Archaeology of the United Arab Emirates: Proceedings of the First International Conference on the Archaeology of the U. A. E. , London: Trident Press*, pp. 230-236.
- Ghirshman, R. , 1959, "L'Ile de Kharg (Ikaros) dans le Golfe Persique ", *Revue Archdologique I*: 70-77.
- Ghirshman, R. , 1960, *The Island of Kharg*, Tehran: Iranian Oil Operating Companies.
- Hellyer, P. & King G. R. D. , 1999, "A Site from the Early First Millennium AD at Ra's Bilyaryar, Abu Dhabi, U. A. E. ," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 10: 119- 123.
- Hellyer, P. , 1998, *Filling in the Blanks*, Dubai: Motivate Publishing.
- Hourani, G. F. , 1951, *Arab Seafaring in the Indian Ocean in Ancient and Early Medieval Times*, Princeton: Princeton University Press.
- Howgego, C. J. & D. T. Potts, 1992, "Greek and Roman coins from eastern Arabia," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 3: 183-189.
- Huff, D. , 1987, "Archaeology. IV, Sasanian," in E. Yarshater (ed. ) *Encyclopaedia Iranica*, London - New York: Routledge & Kegan, II, pp. 302-308.
- Ishida, S. , Parker, A. , Kennet, D. and Hodson, M. , 2003, *Phytolith analysis from the archaeological site of Kush, Ras al-Khaimah, United Arab Emirates Quaternary Research* 59: 310-321.
- Kennet, D. , 2002, "Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia," *Iran* 40: 153-62.
- Kennet, D. , 1997, "Kush: A Sasanian and Islamic Period Archaeological Tell in Ras al-Khaimah (U. A. E. )," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 8: 284-302.
- Kennet, D. , 1998, "Evidence for 4th/5th-century Sasanian occupation at Khatt, Ras al-Khaimah," in C. S. Phillips, D. T. Potts and S. Searight (eds. ), *Arabia and its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice de Cardi*, Turnhout: Brepols, pp. 105-16.
- Kennet, D. , 2004, *Sasanian and Islamic pottery from Ras al-Khaimah: Classification, chronology and analysis of trade in the Western Indian Ocean*, Society for Arabian Studies Monographs No. 1, Bar International Series 1248.
- Kennet, D. , 2007, "The decline of eastern Arabia in the Sasanian period," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 18: 86-122.
- King G. R. D. & C. Tonghini, 1998, "The Western islands of Abu Dhabi Emirate: notes on Ghagha," in C. S. Phillips, D. T. Potts and S. Searight (eds. ), *Arabia and Its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice de Cardi*, Turnhout: Brepols, pp. 117-141
- King, G. R. D. , 1997, *Abu Dhabi Islands Archaeological Survey, Season 1: An Archaeological Survey of Sir Bani Yas, Dalma and Marawah*, London: Trident Press.

- King, G. R. D. , 1997, A Nestorian monastic settlement on the island of Sir Bani Yas, Abu Dhabi: a preliminary report, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 60: 221–235.
- King, G. R. D. , 1997, "The History of UAE: The Eve of Islam and the Islamic Period," In E. Ghareeb and I. Al Abed (eds. ), *Perspectives on the United Arab Emirates*, London: Trident Press, pp. 74-94.
- King, G. R. D. and P. Hellyer, 1997, A Preliminary Note on Ceramics from the island of Qarnein, *Tribulus (Journal of the Emirates Natural History Group)* 7(2): 25-26.
- Langfeldt, J. A. , 1994, "Recently discovered early Christian monuments in Northeastern Arabia," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 5: 32–60.
- Lowick, N. M. , 1985, *Siraf 15: The Coins and Monumental Inscriptions*, London: The British Institute of Persian Studies.
- Matheson, S. A. , 1976, *Persia: An Archaeological Guide*, London: Faber.
- Needham, J. , 1954, *Science and Civilization in China I*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Piacentini, V. F. , 1992, *Merchants-Merchandise and Military Power in the Persian Gulf*, Rome: *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei*.
- Potts D. T. & Cribb J. , 1995, "Sasanian and Arab-Sasanian coins from eastern Arabia", *Iranica Antiqua* 30: 123–137.
- Potts, D. T. , 1984, "Northeastern Arabia in the Later Pre-Islamic Era," in R. Boucharlat and J. F. Salles, *Arabie orientale, Mésopotamie, et Iran méridional de l'âge du fer au début de la période islamique*, Lyon: Éditions recherche sur les civilisations, pp. 85-144.
- Potts, D. T. , 1985, "From Qadê to Mazûn: Four Notes on Oman, c. 700 BC to 700 CE," *Journal of Oman Studies* 8: 81-95.
- Potts, D. T. , 1990, *The Arabian Gulf in Antiquity, Vol. 2: From Alexander the Great Until the Coming of Islam*, Oxford: Clarendon Press.
- Potts, D. T. , 1991, *The Pre-Islamic Coinage of Eastern Arabia*, Copenhagen: Museum Tusulanum Press.
- Potts, D. T. , 1993, "A Sasanian Lead Horse from Northeastern Arabia," *Iranica Antiqua* 28: 193-199.
- Potts, D. T. , 1993, "The Sequence and Chronology of Thaj", in U. Finkbeiner (ed. ), *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet*, Tübingen: Wasmuth, pp. 87-110.
- Potts, D. T. , 1994, "Nestorian crosses from Jabal Berri," *Arabian Archaeology and Epigraphy* 5: 61–65.
- Potts, D. T. , 1997, "Late Sasanian Armament from Southern Arabia," *Electrum* 1: 127-37.
- Potts, D. T. , 1998, "Namord ware in Southeastern Arabia," in C. S. Phillips, D. T. Potts and S. Searight, (eds. ), *Arabia and Its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice de Cardi*, Turnhout: Brepols, pp. 207-20.
- Potts, D. T. , 2005, [http://www.iranica.com/newsite/index.isc?Article=http://www.iranica.com/newsite/articles/unicode/ot\\_grp7/ot\\_pers\\_gulf\\_ant\\_200503223.html](http://www.iranica.com/newsite/index.isc?Article=http://www.iranica.com/newsite/articles/unicode/ot_grp7/ot_pers_gulf_ant_200503223.html)

- Prickett, M. E. , 1986, Man, Land, and Water: Settlement Distribution and the Development of Irrigation Agriculture in the Upper Rud-i Gushk Drainage, Southeastern Iran, Ann Arbor: University of Michigan.
- Priestman, S. M. N. and D. Kennet, 2002, "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran," Iran 40: 265-67.
- Simpson, J. , 2007, "Bushire and Beyond: Some Early Archaeological Discoveries in Iran," in E. Errington and. V. Curtis (eds. ), From Persepolis to the Punjab, London: British Museum Press, pp. 153-65.
- Starcky, J. , 1952, Palmyre, Paris: Librairie A. Maissonneuve.
- Whitcomb, D. S. , 1978, The Archaeology of al-Hasa Oasis in the Islamic Period, *Atlat (Journal of Saudi Arabian Studies)* 2: 95-113:
- Whitehouse, D. and A. Williamson, 1973, "Sasanian Maritime Trade," Iran 11: 29-49.
- Whitehouse, D. , 1968, "Excavations at Siraf: First Interim Report ", Iran 6 : 1-22.
- Whitehouse, D. , 1969, "Excavations at Siraf: Second Interim Report ", Iran 7: 39-62.
- Whitehouse, D. , 1970, "Excavations at Siraf: Third Interim Report ", Iran 8: 1-18.
- Whitehouse, D. , 1971, "Excavations at Siraf: Fourth Interim Report ", Iran 9: 1-17.
- Whitehouse, D. , 1972, "Excavations at Siraf: Fifth Interim Report ", Iran 10: 63-87.

Archaeology